

جایگاه شعبه مقدماتی دیوان بین المللی کیفری و امکان سنجی پیش بینی آن در حقوق ایران

عدنان عمرانی فر^{۱*}مهدی شیداییان^۲سیدمحمود میرخلیلی^۳

چکیده

شعبه مقدماتی دیوان بین المللی کیفری، یک سیستم دادرسی پیشرفته است که در هیچ یک از نظام های دادرسی نمی توان مانند آن را مشاهده نمود. شعبه مذکور توانسته با تعامل دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی، با صدور مجوزهای لازم و سیاست های نظارتی، تا حدودی اهداف یک دادرسی استاندارد را برآورده نماید. از این رو؛ تصور تأسیس نهادی همچون شعبه مقدماتی در سیستم دادرسی ایران بعید به نظر نمی رسد. نگارندگان مقاله حاضر، بعد از نشان دادن کارکردهای مهم شعبه مقدماتی دیوان بین المللی کیفری، چالش ها و مزیت ها نتیجه می گیرند؛ تأسیس شعبه مذکور در حقوق ایران می تواند تعقیب و تحقیق در مرحله دادرسی را دقیق و بیش از پیش به اصل بی طرفی و انصاف نزدیک نماید. البته ناگفته نماند؛ تأسیس شعبه مقدماتی، مطابق آنچه در دیوان بین المللی کیفری وجود دارد، نمی تواند بدون هیچ تغییری در نظام دادرسی ایران تعبیه شود و برای بهره مندی از ثمرات نهاد مذکور بهتر است آن را با نظام دادرسی ایران هماهنگ کرد.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۷/۰۶/۰۸

تاریخ قبولی:

۱۳۹۹/۱۰/۲۹

قابل دائلود از تاریخ:

۱۳۹۹/۱۲/۰۴

کلیدواژه ها:

دیوان بین المللی کیفری، شعبه مقدماتی، دادرسی، اصل بی طرفی، انصاف، تعقیب، محاکمه.

۱ مقدمه

مقتضی صادر نماید؛ در غیر این صورت دادگاه ها خود جنایت کارانی اند که در لباس مشروعیت، اعمال ظلم می کنند. مذاکرات کنفرانس رم به خوبی نشان می دهد که دیوان بین المللی کیفری، (زین پس؛ دیوان) تنها به دنبال مجازات کردن سریع و عجولانه جنایتکاران بین المللی نیست بلکه؛ خواهان فراهم نمودن ساز و کارهای یک

رسیدگی منصفانه و بی طرفانه^۴، یکی از موضوعات مهم و از اصول بنیادین دادرسی است. چنان که می توان نظام دادرسی هر کشور را بر پایه آن ارزش گذاری نمود. فلسفه وجود دادگاه های بین المللی و داخلی این است که یک نهاد منصف و بی طرف^۵ به شکایت ها رسیدگی و رأی

* نویسنده مسئول

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران.^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پردیس فارابی، قم، ایران.^۳ دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پردیس فارابی، قم، ایران.^۴ Fair handling and impartial.^۵ «فَإِنْ جَاءُوكَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ... وَ إِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (آیه ۴۲ از سوره مائده). اگر [نامسلمانان] نزد تو برای داوری آمدند اگر خواهی میان آنان داوری کن و اگر خواهی داوری مکن... اگر داوری کردی به داد داوری کن، خداوند دادگران را دوست دارد.

در نظام حقوقی ایران به استانداردهای دادرسی عادلانه نزدیک نماید.

در مرحله شروع به تعقیب و انجام تحقیقات مقدماتی، در صورتی که دادستان نخواهد مبنای عدل و انصاف را به عنوان یک قاضی بی طرف رعایت نماید، به راحتی می تواند تعقیب علیه یک کشور را آغاز کند و این شعبه مقدماتی است که جلوی این بی عدالتی را به عنوان یک مرجع متشکل از قضات با تابعیت های متفاوت سد و در صورت تشخیص، جواز تحقیق یا عدم تحقیق را صادر می نماید. (بند ۴ ماده ی ۱۵ اساسنامه). در حقیقت، این شعبه مقدماتی دیوان است که؛ تصمیمات دادستان را مورد ارزیابی و بررسی قرار می دهد و جواز و یا عدم جواز آن را صادر می کند. موضوعی که در مقاله حاضر، به عنوان یک مسئله مطرح و نگارندگان در صدد پاسخگویی به آن هستند، این است که؛ فلسفه وجودی شعبه مقدماتی دیوان چیست و آیا امکان دارد نهادی مانند شعبه مقدماتی در نظام دادرسی کشور ایران (در مرحله دادرسی) تأسیس شود؟ و دیگر مورد این که؛ تأسیس نهادی به مثابه شعبه مقدماتی در نظام دادرسی ایران، چه مزایا و معایبی را در پی دارد؟

در آخر باید اذعان نمود؛ پاسخ به سوالات فوق، ضرورت این را می طلبد که در مباحث آتی، کارکردهای شعبه مقدماتی در وادی امر مورد بررسی قرار گیرد تا این که خواندگان دریابند؛ شعبه مقدماتی در دیوان چه وظایفی را برعهده دارد و سپس برای روشن شدن بهتر موضوع و نتیجه گیری برای ایجاد یا عدم ایجاد نهادی مشابه شعبه مقدماتی، مبحثی تحت عنوان امکان سنجی تأسیس شعبه مقدماتی، آورده خواهد شد تا ذیل مبحث مذکور، مزایا و معایب ایجاد شعبه مقدماتی در نظام حقوقی ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

دادرسی عادلانه برای تحقق اهداف حقوق کیفری است.
(Mckay, ۲۰۰۱:۴۷۱)

نحوه رسیدگی در دیوان، نشان می دهد که مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله رسیدگی، مجزا است و این موضوع خود از ویژگی و خصوصیات نظام حقوقی نوشته می باشد. اختیارات دادستان دیوان^۱ نسبت به دادگاه های موقت، همچون دیوان بین الملل کیفری، برای یوگوسلاوی سابق^۲، محدودتر به نظر می رسد.^۳ شعبه مقدماتی^۴ در دیوان، سدی مستحکم در برابر تصمیمات و قرارهای دادستان است، چنان که در اساسنامه دیوان، کمتر اختیار عمل دادستان را مشاهده می کنیم و اکثر تصمیمات دادستان، نیازمند کسب مجوز از شعبه مقدماتی است. (آمبوس، ۱۳۸۶: ۱۹۶)

باید اذعان نمود، گاهی رسیدگی های ناعادلانه، علاوه بر تعمد^۵ شخص رسیدگی کننده، امکان دارد به دلیل اشتباهات قضایی^۶ و عدم دقت و یا اطلاعات کافی رخ دهد. این موضوع، ضرورت این را می طلبد تا ضمن رسیدگی پرونده از مرحله شروع به تعقیب تا صدور رأی نهایی، نهادهایی با تخصص بالاتر، و متشکل از قضات باتجربه، برای بازنگری نسبت به تصمیمات و آراء بوجود آیند. اصول حاکم بر دادسرا در حقوق ایران مبتنی بر نظام تفتیشی است، از این رو؛ دادستان یا همان مدعی العموم از قدرت بالایی برخوردار است و به عنوان یکی از طرفین اصلی دعوی کیفری، نقش اصلی و ممتاز را ایفا می نماید. (کوشکی، ۱۳۸۹: ۵۷۰) در این میان، مقررات ناظر بر مرحله « تحقیقات مقدماتی» از این نظر که احتمال نقض حقوق دفاعی متهم در این مرحله بیشتر قابل تصور است باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا در نظام تفتیشی، تضييع حقوق متهم بیشتر خود نمایی می کند. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۴) از این جهت؛ تأسیس نهادی با ساز و کارهای شعبه مقدماتی دیوان، می تواند تا حدودی حقوق متهم را در مرحله دادسرا

مقدماتی تأیید شود. باید افزود نهایتاً این شعبه مقدماتی است که طبق ماده ۶۱ اساسنامه، جلسه رسیدگی برای استماع تأیید اتهاماتی را که دادستان قصد محاکمه براساس آنها را دارد، برگزار می کند و این خود حاکی از محدود بودن دامنه اختیارات دادستان است.

⁴ Preliminary branch

⁵ Intentional

⁶ Judicial mistakes

¹ International Criminal Court (ICC)

² International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia. (ICTY)

³ ماده ۵۳ اساسنامه دیوان، به شعبه مقدماتی اختیارات وسیعی برای نظارت بر تصمیم دادستان واگذار میکند. به ویژه، ماده ۵۳ (۳) اساسنامه دیوان که مقرر میدارد: تصمیم دادستان مبنی بر این که تحقیق یا تعقیب به اقتضای منافع عدالت نیست، باید از سوی شعبه

۲ اهم کارکردهای شعبه مقدماتی

شعبه مقدماتی، یکی از ارکان مهم دیوان است که در کنار سایر ارکان دیوان (ماده ۳۴ از اساسنامه دیوان)^۱ انجام وظیفه می‌نماید. کارکردهای شعبه مقدماتی را باید در ارتباط بین دادستان و شعبه مقدماتی دیوان جست و جو کرد. اگر بخواهیم دقیق‌تر رابطه بین دادستان و شعبه مقدماتی را در دیوان مورد بررسی قرار بدهیم، باید آن را در حقوق داخلی ایران، مانند رابطه ضابطان دادگستری با دادستان بدانیم. در واقع وظایف ضابطان دادگستری، تابع فرمان و صلاحدید دادستان است. همچنین بعضی از وظایف دادستان، مانند کسب مجوز تحقیق^۲ از شعبه مقدماتی (ماده ۱۵ (۳) اساسنامه)^۳ بی‌شبهت به وظایف ضابطان دادگستری در حقوق داخلی نیست. (ماده ۴۳ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. زین پس به طور اختصار؛ ق.آ.د.ک)^۴

شعبه مقدماتی متشکل از شش قاضی است که با سه و یا یک قاضی، امکان تشکیل آن وجود دارد.^۵ این قضات وظیفه دارند، تصمیمات دادستان را مورد بررسی قرار داده و در واقع دادستان، باید تمام وظایف خود را، تحت نظارت

^۱ ارکان دیوان شامل؛ هیأت رئیسه، بخش تجدیدنظر، بدوی، مقدماتی، دادسرا و دبیرخانه است.

^۲ Earn a research license.

^۳ این ماده بیان می‌دارد: «اگر دادستان به این نتیجه برسد که مبنای مستدلی برای پرداختن به تحقیق وجود دارد، باید درخواستی را به ضمیمه کلیه اسناد و مدارک تأیید کننده ای که جمع آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی تسلیم نماید. مجنی‌علیهم می‌توانند در شعبه مقدماتی، مطابق آئین‌نامه دادرسی و ادله طرح شکایت نمایند».

^۴ این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش،

شعبه مذکور به‌انجام برساند. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۶۹). شعبه مقدماتی دارای کارکردهای فراوانی است و توانسته جایگاه با ارزش خود را به مراتب در دیوان نشان دهد. بنابراین؛ مقتضی است با مطالعه کارکردهای شعبه مقدماتی و مزایا و معایب وارده، امکان‌سنجی تأسیس شعبه مذکور را در پیش روی دادستان، در نظام حقوقی ایران، مورد ارزیابی قرار دهیم.

۲.۱ تضمین اصل بی‌طرفی از ناحیه دادستان

بی‌طرفی، وصفی ذهنی و به معنای عدم تمایل مرجع قضایی به یک طرف دعوی است. (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۴). اصل بی‌طرفی، یکی از اصول بنیادین و شالوده اصلی تشکیل نهادی به نام دادگاه است. حق محاکمه شدن توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، امروزه به یکی از اساسی‌ترین حقوق آدمیان بدل شده است، نه تنها دادگاه باید از فشار سایر قوای حکومتی در رسیدگی به پرونده برکنار بماند؛ بلکه قاضی نیز باید با بی‌طرفی تمام به آن رسیدگی نماید. (فضائی، ۱۳۸۸: ۴۵).

حقوق مختلف مربوط به یک محاکمه منصفانه به‌صراحت در ماده ۶۱۰ و ۷۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصلاحیه ششم قانون اساسی ایالات متحده^۸ و ماده ۶

دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند».

^۵ ماده ۳۹ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری.

^۶ هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.

^۷ هر شخصی متهم به جرمی کیفری، سزاوار و محق است تا زمان احراز و اثبات جرم در برابر قانون، در محکمه‌ای علنی که تمامی حقوق وی در دفاع از خویشتن تضمین شده باشد، بی‌گناه تلقی شود.

^۸ در کلیه دادرسی‌های کیفری، متهم از حقوق ذیل برخوردار خواهد بود: الف) حق محاکمه سریع و علنی توسط هیئت منصفه بی‌طرف ایالت و منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده‌است، منطقه مزبور را باید قانون از پیش تعیین کرده باشد. ب) حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام، حق مواجهه با

شمالی تعلیق شد. مزنونین به راحتی بدون محاکمه زندانی شدند و توسط ارتش بریتانیا برای کسب اطلاعات مورد بازجویی قرار گرفتند. این قدرت بیشتر در برابر اقلیت کاتولیک مورد استفاده قرار گرفت. دولت انگلیس هنگامی که این مسئله را در سال ۱۹۷۸ مورد بررسی قرار داد، به طور محرمانه به دادگاه اروپا رسید. دولت ایالت ایرلند و گروه حقوق بشر عفو بین المللی درخواست دادند که پرونده «اچ‌پر»^۴ در دسامبر ۲۰۱۴ بازنگری شود. سه پرونده دادگاه مربوط به درگیری‌های ایرلند شمالی که در سرزمین اصلی انگلیس در سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ رخ داد، متهم به عدم رعایت اصل بی‌طرفی بوده است، که منجر به محکومیت دروغین شیم بیرمنگام، گیلدفورد و مگوره شد و در نهایت احکام صادره به دلیل عدم رعایت اصل بی‌طرفی از درجه اعتبار ساقط شدند. (Bid to reopen NI 'torture' case". ۲ December ۲۰۱۴ Retrieved ۳ April ۲۰۱۸ via www.bbc.com)

نباید این گونه تصور شود که محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه، تنها از جنایتکاران معمولی حمایت می‌کند. کنوانسیون ژنو تضمین می‌کند؛ هر کسی که متهم به جرائم

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱، و همچنین بسیاری از قانون اساسی و اعلامیه‌های دیگر در سراسر جهان مطرح شده است. باید توجه داشت که هیچ قانونی بین‌المللی وجود ندارد که اصل بی‌طرفی را مورد حمایت خود قرار نداده باشد، اما در نهایت نحوه محاکمه و وجود یا عدم وجود هیئت منصفه از ملتی به ملت دیگر متفاوت است و این موضوع در حالی است که در هر سیستم قضایی اصل بی‌طرفی بدون تغییر باقی مانده است.^۲ یکی از موضوعاتی که افکار جامعه بین‌المللی را در جهت محاکمات عادلانه تسکین می‌دهد، «محاکمه علنی»^۳ است. در اساسنامه دیوان، به موجب بند ۱ ماده ۶۷، دادرسی علنی از جمله حقوق متهم شمرده شده است. باید اذعان نمود رسیدگی علنی، خود تضمینی بر بی‌طرفی و عادلانه بودن و استقلال دادگاه‌ها است که خود به بالابردن اعتماد عمومی در خصوص اجرای عدالت کمک می‌کند. (Danilet, ۲۰۰۰: ۲۱۰)

عدم رعایت اصل بی‌طرفی از جانب دادگاه، می‌تواند موجب بی‌اعتباری رأی صادره و رسیدگی مجدد شود. بین سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۵، حق دادرسی عادلانه در ایرلند

شهودی که علیه او شهادت می‌دهند، احضار شهود به نفع خود، و (پ) حق داشتن وکیل برای دفاع از خود.

وسيله خودش یا از طریق دستیار حقوقی انتخاب شده توسط وی یا در صورتی که قادر به پرداخت هزینه‌های مربوط به استخدام دستیار حقوقی نباشد، دادگاه به اقتضای مصالح اجرای عدالت، دستیار مربوطه را به صورت رایگان در اختیار وی قرار دهد. (ت) بازجویی از شاهی که بر علیه شخص می‌خواهد شهادت بدهد و حاضر کردن و بازجویی کردن از ۴ شاهی که به نفع وی شهادت می‌دهد تحت شرایط مشابه با شاهد مخالف شخص. (ث) در صورتی که متهم نمی‌تواند زبان مورد استفاده در دادگاه را درک کرده یا آن را صحبت کند، مترجم رایگان در اختیار داشته باشد

^۱ هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی در محدوده زمانی مناسب توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد. نتیجه دادرسی باید به صورت عمومی اعلام شود. با این حال، ممکن است مطبوعات و عموم مردم از شرکت در تمام یا بخشی از جلسات محاکمه به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار که رعایت مصالح جوانان یا حفاظت از حریم خصوصی طرف‌های دعوی ضروری است یا در مواردی که به تشخیص قطعی دادگاه، اعلان عمومی آن مضر مصالح عدالت شناخته شود.^۲ هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم جنایی است تا زمانی که جرم وی به‌طور قانونی اثبات نشده، باید بی‌گناه تلقی شود.^۳ هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم جنایی است از حداقل حقوق ذیل برخوردار است: الف) سریعاً و به زبانی که آن را درک کند از ماهیت و دلیل اتهامات مطروحه علیه وی به‌صورت مشروح آگاه شود؛ ب) زمان و امکانات کافی برای آماده سازی دفاعیه خود را داشته باشد؛ پ) دفاع از خود به

^۲ علاوه بر موارد ذکر شده؛ حق دادرسی عادلانه در مواد ۳، ۷ و ۲۶ منشور حقوق بشر و حقوق مردم آفریقا (ACHPR) [[۲] تعریف شده است. حق محاکمه منصفانه نیز در مواد ۵، ۶ و ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مقالات ۳ تا ۴ پروتکل مربوط به کنوانسیون تعریف شده است. علاوه بر این، حق برخورداری از دادرسی عادلانه در مواد ۳، ۸، ۹ و ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر آمریکا نیز وجود دارد.

³ Public trial

⁴ Echr



نتیجه مذاکرات به عمل آمده در ژم، يك توافق جامع حاصل شد که از آن می‌توان به عنوان یک راه حل اعتدالی^۳ نام برد. به این معنی، که اختیارات دادستان باید تحت نظر شعبه مقدماتی باشد. (بند (ج) مواد ۱۳ و ۱۵ اساسنامه) از این رو؛ اختیارات شعبه مقدماتی که صریحاً به موجب اساسنامه، مشخص شده، نشان می‌دهد که نقش شعبه مقدماتی بیشتر شبیه یک « داور»^۴ است که تنها در حد محدودی به نفع تعقیب و تحقیق مداخله می‌نماید. (آقای جنت مکان، ۱۳۸۷: ۲۵۰)

در حقوق ایران، دادستان، که از آن به عنوان « مدعی العموم» یاد می‌شود، اختیارات گسترده‌ای دارد. همان طور که محدود کردن اختیارات دادستان می‌تواند موجب بروز مشکلاتی شود، دادن اختیارات بی‌اندازه به دادستان، می‌تواند موجب خودکامگی و تصورات واهی شود.^۵ گذاشتن نهادی همچون شعبه مقدماتی، بر قرارها و تصمیمات دادستان در نظام حقوقی ایران، می‌تواند کارکردهایی خود در دیوان را که مهمترین آن تضمین اصل بی‌طرفی است؛ به ارمغان آورد.

۲.۲ نظارت قضایی بر کلیه تصمیمات دادستان

یکی از رسالت‌های بررسی آراء بدوی، در دادگاه عالی^۶ این است که دادگاه های مذکور با بهره‌مندی از تجارب و اطلاعات کافی و دقت نظر میزان صحت و سقم رأی صادره را مورد بررسی قرار داده و در صورت عدم تطبیق آن با جهات قانونی و قضایی آن را نقض نماید. با وجود تمایل برخی از کشورها به اعطای اختیار به دادستان برای طرح پرونده توسط وی، باید اذعان نمود؛ شروع دادرسی یا سازوکار ماشه^۷ منوط و مشروط به تصویب سه قاضی شعبه مقدماتی است. (شبث، ۱۳۸۴: ۱۳۰)

هنگامی که ماده ۵۷ اساسنامه را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم شعبه مقدماتی دارای اختیارات گسترده‌ای است. این اختیارات تا حدودی همان اختیارات ذاتی

جنگی یا جرایمی دیگر باشد، باید یک محاکمه عادلانه دریافت کند. یک دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه در حقوق بین‌الملل شامل مؤلفه‌هایی از قبیل؛ (الف) بهره‌مندی از یک دادگاه صالح؛ (ب) مستقل و بی‌طرف؛ (پ) حق داشتن یک جلسه عمومی؛ (ت) حق شنیدن در یک زمان معقول؛ (ث) حق مشاوره و همچنین؛ (ج) حق تفسیر است. (Alfredsson, ۱۹۹۹: ۲۲۵.)

اساسنامه دیوان مصوب ۱۹۹۸ ژوئیه ۱۷ در ماده ۶۷ مقرر می‌دارد: « برای تصمیم‌گیری درباره هر اتهامی، متهم حق دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه، به شکل علنی، عادلانه و بی‌طرفانه و با رعایت تضمین‌های ذیل محاکمه شود...». به طور اختصار می‌توان تضمین‌های در نظر گرفته را شامل، آگاهی از اتهام با زبان قابل فهم متهم، زمان کافی برای دفاع، عدم تأخیر در محاکمه، حق سؤال از شهود، دسترسی به مترجم، عدم الزام در سوگند و الزام در پذیرش ادله دانست. در حقوق ایران، اصل بی‌طرفی در ماده ۳ ق.آ.د.ک، مورد اشاره قرار گرفته است. این ماده بیان می‌دارد: « مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.»

در حقیقت یکی از کارکردهای مهم شعبه مقدماتی در دیوان، تضمین اصل بی‌طرفی است. اختلاف نظر کشورها، در مورد وجود دادستان مستقل در زمان طرح اساسنامه دیوان، (مانند آنچه در دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگوسلاوی سابق^۱ و دادگاه بین المللی کیفری برای رواند^۲ در نظر گرفته شده بود) و یا دادستان وابسته، از موقعیت خاص دادستان (رعایت اصل بی طرفی) پیروی می‌کرد. قبل از این که دادستان در دیوان یک مقام تعقیب باشد، تبعه کشور متبوع خویش است و روابط سیاسی و دیپلماتیک قطعاً می‌تواند تعقیب یا عدم تعقیب تبعه یک کشور دوست یا دشمن را تحت تأثیر قرار دهد. سرانجام، در

خداوند متعال به اندازه یک بند انگشت کم‌تر است.»

<http://khorasan.isna.ir/default.aspx?NSID=۵&SSLID=۴۶&NID=۱۲۳۷۲۵>

⁶ Supreme Courts.

7. Trigger Mechanism.

¹ ICTY

² ICTR

³ Moderation

⁴ Arbitrator

⁵ چندی پیش یکی از دادستان های محترم کشور بیان نمودند « باید تأکید کنم که اختیارات دادستان از اختیارات

باید با رأی اکثریت قضات باشد و در سایر موارد، وظایف شعبه مقدماتی با یک قاضی انجام می شود.

در دیوان‌های ویژه، علاوه بر این که دادستان مشمول هیچگونه نظارت قضایی^۳ نیست، به راحتی می‌تواند تحقیقات خود را شروع و یا از آن منصرف شود. (Cassese, ۲۰۰۳: ۴۰۸) این در حالی است که نظارت قضایی شعبه مقدماتی بسیار شدید است، طوری که تمام وظایف دادستان باید از مجرای تأیید شعبه مقدماتی عبور نماید.

در حقوق ایران، دادستان، معاون دادستان و دادیار از لحاظ سلسله مراتب در یک ردیف نیستند و در طول هم قرار دارند؛ به طوری که دادستان در رأس و معاونین و دادیاران از دستورات اداری و حتی نظارت قضایی او تبعیت می‌کنند. دادیار علاوه بر تبعیت از نظرات دادستان ملزم به رعایت از نظر معاون ذی ربط او نیز هست. این سلسله مراتب به این دلیل است که معاونین و دادیاران پایین‌ترین مرتبه قضایی را دارند و امکان خطا و عدم دقت نظر در قرارها و تصمیمات آنان وجود دارد. از این رو دادیاران ملزم به تبعیت از دادستان هستند.^۴ در ادامه گفته پیشین، باید اذعان نمود؛ بازپرس در حقوق ایران شامل نظام سلسله مراتب نیست و در تصمیمات و قرارهای خود از نظر دادستان تبعیت نمی‌کند.^۵ در حقوق ایران، مفهوم نظارت قضایی^۶ را می‌توان به نظارت قضایی خاص و عام تقسیم کرد. نظارت قضایی خاص، در واقع همان نظارت دادستان بر کلیه قرارهای صادره از ناحیه دادیاران و الزام به تأیید وی است و نظارت قضایی به معنی عام، پژوهش و فرجام خواهی در دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور است که خود نظارت قضایی بر آراء صادره از دادگاه‌های تالی است.

دادستان در حقوق ایران و سایر کشورها است که در دیوان، این اختیارات، برعهده شعبه مقدماتی است. شعبه مقدماتی نه تنها يك نقش نظارتی^۱ را بعد از اینکه تحقیقات انجام شد بازی می‌کند، بلکه در مرحله تحقیقات هم مداخله می‌نماید. مشارکت شعبه مقدماتی در مرحله تحقیقات صرفاً محدود به صدور اجازه شروع به تحقیق نیست؛ برعکس، نقش مستمری برای شعبه مقدماتی وجود دارد که به موجب آن، شعبه مذکور اختیار صدور دستورات و احکام جلب را که برای تحقیقات لازم است، داراست. ماده (۳)۵۷ (الف)). شعبه مقدماتی همچنین اختیار دارد به دادستان اجازه دهد اقدامات تحقیقی خاصی را در قلمرو دولت عضو انجام دهد (ماده ۵۷ (۳) (د)) شعبه مقدماتی حق صدور حکم جلب یا احضار را به موجب ماده ۵۸ اساسنامه به شعبه مقدماتی اختیارات وسیعی برای نظارت بر تصمیم دادستان واگذار می‌کند. به ویژه، بند (۳) ماده ۵۳ اساسنامه مقرر می‌دارد که تصمیم دادستان مبنی بر اینکه تحقیق یا تعقیب به اقتضای منافع عدالت نیست؛ باید از سوی شعبه مقدماتی تأیید شود. نهایتاً طبق ماده ۶۱ اساسنامه، این شعبه مقدماتی است که جلسه رسیدگی برای استماع تأیید اتهاماتی که دادستان قصد محاکمه براساس آنها را دارد، برگزار می‌کند. (آقایی جنت مکان، پیشین: ۲۵۴)

مطابق ماده ۵۷ اساسنامه؛ اجرای وظیفه شعبه مقدماتی در اجرای ماده ۱۵ (اخذ مجوز تحقیق^۲)، ماده ۱۸ (تصمیم مقدماتی درباره قابلیت پذیرش)، ماده ۱۹ (اعتراض به صلاحیت دیوان و یا قابل پذیرش بودن)، موضوع بند ۲ ماده ۵۴ (انطباق تصمیمات دادستان با اساسنامه)، بند ۷ ماده ۶۱ (تأیید اتهامات قبل از محاکمه) و ماده ۷۲ (محافظت از اطلاعات محرمانه ملی)

^۵ ماده ۲۶۹ از ق.آ.د.ک بیان می‌دارد: «در هر مورد که

دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود».

^۶ از نوآوری‌های ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ تأسیس نهادی به عنوان «قرار نظارت قضایی» است که در ماده ۲۴۷ از قانون مذکور تبیین شده است. از این رو باید افزود؛ این دو مفهوم با یکدیگر متفاوت اند.

^۱ Supervisory role

^۲ Obtaining a research license

^۳ Judicial supervision

^۴ انتهای ماده ۹۲ از ق.آ.د.ک بیان می‌دارد؛ «چنانچه

دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهائی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند».

در دیوان، تلاش بر این است که محاکمه و مجازات مرتکبین جرایم بین‌المللی در این مرجع، بارعایت برترین استانداردهای دادرسی عادلانه صورت گیرد تا هم الگویی برای مرجع داخلی دولت عضو باشد و هم بر مشروعیت و جایگاه قانونی دیوان در عرصه بین‌المللی بیفزاید، از این رو؛ نظام تأیید اتهامات توانسته تا حدودی این مهم را برآورده نماید. (Calvo-Goller, ۲۰۰۶: ۱۷۱) برای نمونه باید اذعان نمود؛ این نظام تأیید اتهامات است که از دادستان می‌خواهد تا دلایل و مدارک و حتی اطلاعات محرمانه را (ماده ۳) (۶۱) در شعبه مقدماتی مطرح نماید تا متهم بتواند قبل از رسیدگی و تأیید و یا رد اتهام، از آن‌ها آگاهی یافته و سپس با توجه به اتهامات وارده از خود دفاع نماید. (Miraglia, ۲۰۰۸: ۴۸۹)

بعد از گذشت مدت زمان متعارفی از تسلیم شخص به دیوان و یا حضور داوطلبانه وی در آن، شعبه مقدماتی موظف است جلسه‌ای را به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده تشکیل دهد، جلسه مذکور، با حضور دادستان و متهم و همچنین وکیل وی تشکیل خواهد شد. (بند ۱ ماده ۶۱ اساسنامه) شعبه مقدماتی در موردی می‌تواند رأساً و یا متعاقب درخواست دادستان جلسه‌ای را در غیاب متهم و به‌منظور تأیید

در حقوق داخلی بحث نظارت قضایی بر اقدامات دادستان، بازپرس و دادیار در مرحله دادرسی وجود دارد. همین که اعتراض مورد قبول قرار گرفت، نظارت قضایی بعد از آن خواهد آمد و در واقع اعتراض، از برای نظارت قضایی است.^۱

تمام مواردی که ذکر شد، نوعی ساز و کار، برای نظارت قضایی بر تصمیمات و قراردادهای مقامات قضایی دادرسی در حقوق ایران است. باید توجه داشت نظام حقوقی در مرحله تعقیب و تحقیق در دیوان، ترفعی است و این نظام، بیشتر منافع متهم را تأمین می‌نماید در حالی که نظام حقوقی در مرحله دادرسی در حقوق ایران تفتیشی است، که این نظام، در واقع به جای متهم، منافع جامعه را مدنظر قرار می‌دهد و امکان تجاوز قاضی به حقوق متهم وجود دارد. (خالقی، ۱۳۹۵: ۳۶).

۲.۳ نظام تأیید اتهامات

یکی از وظایف اساسی و قابل تأمل شعبه مقدماتی، نظام «تأیید اتهامات»^۲ است. نظام تأیید اتهامات، بخش مهمی از پروسه رسیدگی در دیوان را تشکیل می‌دهد و در حقیقت نسبت به سایر نظام‌های حقوقی دنیا، نوعی نوآوری در بخش آیین دادرسی، در خود جای داده است.^۳

^۱ در ق.آ.د.ک، در مرحله دادرسی کلیه قراردادهای تأمین منتهی به بازداشت (ماده ۲۲۶) ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است و چنانچه توسط دادگاه صادر شود ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است (ماده ۲۴۶) کلیه قراردادهای نظارت قضایی (تبصره ۲ ماده ۲۴۷) ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح و چنانچه توسط دادگاه صادر شود ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است (تبصره ۲ ماده ۲۴۷). قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به درخواست شاکی و قرار بازداشت موقت و ابقای تأمین و تشدید تأمین و تأمین خواسته به درخواست متهم (ماده ۲۷۰) مهلت اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و مقیم خارج یک ماه از تاریخ ابلاغ است و مرجع اعتراض دادگاه صالح است چنانچه داده انقلاب یا کیفری یک در حوزه قضایی دادرسی تشکیل نشده باشد دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی است (ماده ۲۷۱) نظر دادگاه قطعی است مگر در مورد صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب در جرایم موضوع بند الف و ب و پ و ت ماده ۳۰۲ که مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است. قرار رد ایراد؛ ظرف ده روز از تاریخ

ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است و نظر دادگاه قطعی است (ماده ۴۲۴) قرار بایگانی پرونده ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است و نظر دادگاه قطعی است. به استناد ماده ۸۰ و تبصره الحاقی قرار تعلیق تعقیب ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است و نظر دادگاه قطعی است (ماده ۸۱). قرار رد درخواست (ماده ۱۰۰) و قرار عدم دسترسی به پرونده (ماده ۱۹۱) هر دو قرار ضروری ابلاغ میشود و ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است و نظر دادگاه قطعی است. قرار توقف تحقیقات (ماده ۱۰۴) ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است و نظر دادگاه قطعی است. قرار رد درخواست رفع بازداشت ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است و نظر دادگاه قطعی است. (ماده ۲۴۲)

² Confirmation of charges

³ ناگفته نماند نظام تأیید اتهامات بی شباهت به جلسه رسیدگی مقدماتی به موجب آیین دادرسی در نظام کامن لا نیست.

و بازپرس ایجاد شود، حل اختلاف با دادگاه صالح است. (ماده ۲۶۹ ق.آ.د.ک).

رسیدگی غیابی در مرحله دادسرا در کلیه جرایم امکان دارد. اما در مرحله رسیدگی دادگاه، وضع به شکل دیگری است.^۳ در مورد اصلاح کیفرخواست باید اذعان نمود، دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید، له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند. (۲۸۲ ق.آ.د.ک)

در حقوق ایران، طبق ق.آ.د.ک، سه قرار اصلی، بعد از ختم تحقیقات وجود دارد. این قرارها شامل **منع تعقیب**^۴؛ **موقوفی تعقیب**^۵ و **جلب به دادرسی**^۶ است. در پایان تحقیقات؛ بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می‌شود. (ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک)

۳ امکان سنجی تأسیس

یکی از سوالات اصلی این است که آیا می‌توان نهادی مانند شعبه مقدماتی، در نظام حقوقی ایران، بر سر راه دادسرا قرار داد یا خیر؟ و اگر چنین نهادی تعبیه شود چه مزایا و یا معایبی می‌تواند در برداشته باشد؟ باید اذعان نمود،

اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده است، تشکیل دهد که شخص متهم (الف) حق حضور خود را ساقط کرده باشد؛ (ب) فرار کرده و یا پیدا نشده و همه اقدامات لازم برای اطمینان از حضورش در دیوان و اطلاع او از اتهاماتی که به او منتسب است و نیز از جلسه‌ای که به منظور تأیید آن اتهامات تشکیل خواهد شد، صورت گرفته است. در چنین صورتی وکیل به نمایندگی از شخص در جلسه حاضر خواهد شد به شرط آن که شعبه مقدماتی این حضور را در راستای اجرای عدالت بدانند. (بند ۲ ماده ۶۱ اساسنامه). باید توجه داشت؛ تأیید اتهامات متهم، نباید همانند جلسه رسیدگی در شعبه بدوی باشد بلکه در این مرحله تنها بر سر اتهام بحث و گفتگو می‌شود و هدف، تأیید، عدم تأیید و یا اصلاح اتهام^۱ است.

در انتهای رسیدگی^۲، شعبه مقدماتی اتهاماتی را که ادله کافی در مورد آن یافته است، تأیید می‌کند و متهم را به منظور محاکمه در خصوص اتهامات تأیید شده به شعبه بدوی دیوان اعزام می‌نماید؛ از تأیید اتهاماتی که آنها را فاقد ادله کافی اثباتی تشخیص داده خودداری می‌ورزد و یا شکیل جلسه را به تعویق انداخته و از دادستان می‌خواهد ادله بیشتری اقامه و یا تحقیقات مفصل‌تری راجع به اتهام خاصی انجام دهد.

در حقوق داخلی ایران، صدور کیفرخواست بدون هیچ‌گونه محدودیتی با دادستان است و او در این مورد از استقلال کامل بهره‌مند است. در موردی که در دادسرا، عنوان اتهام، از ناحیه دادیار به سمع و نظر دادستان برسد، وی می‌تواند اصلاح آن را از دادیار بخواهد و دادیار ملزم به تبعیت از دادستان است (ماده ۹۲ ق.آ.د.ک) اما در صورت که اختلاف نظر بر سر عنوان اتهامی میان دادستان

^۱ عدم تأیید اتهام از جانب شعبه مقدماتی مانع از درخواست مجدد دادستان برای تأیید آن اتهام نخواهد بود چنانچه دادستان به ادله جدیدی در این خصوص دست یابد. بعد از تأیید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی و قبل از شروع محاکمه، دادستان می‌تواند ضمن اطلاع به متهم نسبت به اصلاح اتهامات اقدام نماید. چنانچه دادستان قصد افزایش اتهامات یا جایگزینی آنها را با اتهامات مهمتری داشته باشد مجدداً باید جلسه‌ای را به منظور تأیید اتهامات تشکیل دهد.

^۲ باید اذعان نمود، اصطلاحاً زمانی از کلمه «رسیدگی»

استفاده می‌شود که متهم به دادرسی جلب شده باشد. اما در این پژوهش به طور کلی چه در مرحله تعقیب و تحقیق و دادرسی از کلمه رسیدگی به معنی اعم آن استفاده می‌شود.

^۳ برای اطلاعات بیشتر در این مورد به ماده ۴۰۶ به بعد ق.آ.د.ک رجوع شود.

^۴ Prohibition of prosecution

^۵ Suspension

^۶ Get involved in the hearing

بودند؛ وجود شعبه مقدماتی می‌تواند تا حد زیادی انتظارات کشورها را در زمینه اجرای دقیق عدالت در عرصه بین‌المللی برآورده نماید.

در حقوق انگلستان، مطابق معیارهای ناشی از قانون راجع به دادستان‌های سلطنتی^۱، این افراد اختیار رسیدگی به کلیه اتهاماتی را دارد که به وسیله پلیس وارد شده است (به استثنای بعضی تخلفات کم اهمیت) دارند و دادستان سلطنتی می‌تواند به موجب بند ۳ ماده ۲۳ قانون ۱۹۸۵ راجع به تعقیب جرایم در صورتیکه به نظر وی دلایل ارائه شده در مورد دعوی مطروحه در مقابل دادگاه کافی نبوده و یا به مصلحت جامعه^۲ نباشد آن را متوقف نماید. دادستان‌ها و یا نمایندگان آنان از اتهام و مجرمیت صادره در مقابل دادگاه صلح دفاع می‌کنند، حال آنکه در مقابل دادگاه جزایی، دفاع از اتهام به وسیله وکلایی که تشکیلات دادستان سلطنتی آنها را انتخاب می‌کند صورت می‌گیرد. (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶)

طبق ماده ۱۵، ۵۳ و ۵۷ اساسنامه دیوان، اختیارات دادستان به شدت توسط شعبه مقدماتی محدود شده و در حقیقت دادستان در دیوان مقام تدبیر و شعبه مقدماتی مقام تجویز است. در حقوق ایران که اکثر قوانین خود را از شرع استخراج نموده^۳ به « مدعی العموم» اختیارات گسترده‌ای داده شده، به قدری که حتی بسیاری از اختیارات دادستان غیر مصرح و نامشخص است و این موضوع باعث شده، دادستان در کلیه مواردی که نظم عمومی را مختل ببیند، ورود کرده و متهم یا متهمین را مورد تعقیب قرار دهد و دستورات و تصمیمات مقتضی را صادر نماید.^۴

البته باید توجه داشت، سلب اختیار عمل از دادستان، توسط شعبه مقدماتی، مانند آنچه در دیوان وجود دارد،

شعبه مقدماتی در دیوان، نقش بارزی را ایفا می‌نماید و در مورد آن، در زمان طرح اساسنامه^۵ بین کشورها بحث و گفت و گوهای فراوانی شکل گرفت تا نهایتاً قرار بر این شد که شعبه مقدماتی بر سر دادسرا قرار گیرد، تا وظایف دادستان را مورد ارزیابی قرار دهد. از این‌رو؛ امکان سنجی تأسیس نهادی مشابه شعبه مقدماتی در این فصل مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و مزایا و چالش‌های آن در مباحث‌های متفاوت مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۳.۱ مزیت‌ها

تأسیس نهادی همچون شعبه مقدماتی بر سر راه دادسرا در حقوق ایران می‌تواند دارای مزیت‌های فراوانی باشد که اهم آن شامل، **تعدیل قدرت، تعقیب منصفانه و ارزیابی نهادهای ارفاقی** می‌باشد که هر کدام در گفتاری جداگانه به تفصیل بیان خواهد شد.

۳.۱.۱ تعدیل قدرت

در اکثر نظام‌های دنیا، دادستان از قدرت بالایی برخوردار است. ناگفته نماند که هر کجا قدرت در انحصار فرد یا افراد خاصی بوده، فساد ظهور نموده؛ برای همین در نظام سیاسی اکثر کشورها، نظام تفکیک قوا حاکم است. در مشروح مذاکرات مربوط به اساسنامه، اکثر کشورها چون احتمال می‌دانند که شاید روزی خود درگیر محاکمات دیوان شوند؛ سعی نمودند جهات یک دادرسی عادلانه را به بهترین نحو ممکن فراهم نمایند بنابراین؛ کشورهای دارای نظام حقوق نوشته از تأسیس نهادی تحت عنوان شعبه مقدماتی حمایت کردند و کشورهایی مانند استرالیا و دیگر کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا با تأسیس شعبه مقدماتی مخالفت نکردند (friman, ۲۰۰۱).
۴۹۳ زیرا هر دو نظام حقوقی (کامن‌لا- رومی ژرمنی) معتقد

¹ Crown prosecutor

² Expedient community

³ اصل چهارم: « کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است»

⁴ خبر گزاری ایسنا جدیداً منتشر نموده که عوارضی آزاد راه قزوین - زنجان، به دستور دادستان قزوین پلمپ شده است. (<https://www.isna.ir/news>) این موضوع نشان می‌دهد که دادستان می‌تواند در تمام موضوعات ورود نماید. این موضوعات بعضاً می‌تواند خود موجبات بعضی ناعدالتی‌ها را ایجاد نماید و مقتضی است، چارچوب مشخصی از اختیارات دادستان به طور مصرح در قانون دادرسی کیفری آورده شود تا دادستان خود را مقید به قانون ببیند.

داشته و به مصالح و منافع شخص تحت تعقیب نیز توجه نماید. از سوی دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی وجود دارند که بر تأیید و اثبات گفته فوق دلالت می‌نمایند. چنانچه وظیفه جمع‌آوری بی‌طرفانه دلایل، توسط دادستان غیرممکن بود هیچ‌گاه در متن این اسناد به تکلیف دادستان در جمع‌آوری بی‌طرفانه دلیل اشاره نمی‌شد. (گلدوست جویباری و قلی پور جمنانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰)

بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه، دیوان می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به جنایات مذکور در ماده ۵ اساسنامه اعمال نماید، چنانچه؛ ۱- یک دولت عضو وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع نماید؛ ۲- شورایی امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید؛ ۳- دادستان تحقیقاتی را به موجب ماده ۱۵ اساسنامه در مورد آن جنایت شروع نموده باشد. این در حالی است که طبق ماده ۶۴ از ق.آ.د.ک، جهات شروع به تعقیب شامل؛ الف- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی؛ ب- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن؛ پ- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس؛ ت- اظهار و اقرار متهم. ث- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر، می‌باشد که نشان‌گر نقش فعال دادستان و اختیار عمل تام در شروع به تعقیب دعوی کیفری است. با این وجود، طبق قانون، اختیارات دادستان یا اصطلاحاً جهات شروع به تعقیب، موارد سه‌گانه پیش‌گفته است.

در حقوق ایران، دادستان در صورتی که موضوعی را خلاف نظم عمومی ببیند می‌تواند در آن موضوع ورود کرده و تعقیب متهم را در دستور کار خود قرار دهد. در حالی که در دیوان، دادستان برای شروع تعقیب و تحقیق نیازمند کسب مجوز از شعبه مقدماتی است. (ماده ۱۵ اساسنامه) شعبه مقدماتی با بررسی سایر جهات در صورتی که تعقیب متهم منطبق با جهات شروع به تعقیب مندرج در

نمی‌تواند در نظام داخلی کشورها و حقوق ایران قابل تصور باشد. برخی نویسندگان، گسترش نظارت قضائی شعبه مقدماتی را به همه موارد، صرف نظر از مکانیزم ماشه^۱ مناسب می‌دانند. آنها چنین تفسیری را برای رعایت اصل تساوی رفتار با اشخاص در نزد دیوان نیز مناسب می‌دانند و توسعه اختیار نظارتی ارگان‌های قضائی بر دادستان را با لزوم برقراری توازن بین مفاهیم شکلی کامن لا و حقوق نوشته مرتبط می‌دانند. (آقایی جنت مکان، همان: ۲۵۱)

در حقوق ایران، در مرحله دادرسی، وجود نهادی مانند شعبه مقدماتی می‌تواند بسیار کاربردی باشد با این توضیح که بسیاری از تصمیمات مهم، و برقرار کننده نظم اجتماعی، در دستان دادستان است در حالی که تفویض همچین اختیارات گسترده‌ای در دستان یک فرد نمی‌تواند توجیه مناسبی داشته باشد. وجود نهادی همچون شعبه مقدماتی بر سر راه دادستان می‌تواند تا حد زیادی از تجمیع قدرت در دست یک فرد (دادستان) جلوگیری نماید.

۳.۱.۲ تعقیب منصفانه

رسالت وجودی دادگاه‌ها «چه از نوع داخلی و یا بین‌المللی» رسیدگی عادلانه و منصفانه، نسبت به حقوق تضییع شده افراد جامعه است. قانون دادرسی عادلانه^۲، مجموعه‌ای از استانداردهای حقوقی ایجاد شده است که حقوق متهم را در جریان دادرسی مشخص می‌کند و به مقام رسیدگی‌کننده گوشزد می‌کند، باید حقوق متهم را تمام و کمال رعایت نماید. در جریان رسیدگی حقوق متهم می‌تواند شامل حق برخورداری از وکیل، حق علیه خود مجرم انگاری، حق مواجهه با شهود و حق کلی بر دادرسی عادلانه باشد. (Defranica, ۲۰۰۱: ۱۳۸۶)

در این میان دادستان نقشی اساسی در فرآیند دادرسی کیفری ایفا می‌نماید؛ نقشی که فراتر از تعقیب پرونده است. به‌همین خاطر، متصف به وصف قاضی است. وظیفه اصلی مقام تعقیب، پیگیری دعوی عمومی است. با این حال، وی موظف است همواره جانب انصاف را نگاه

نیز در برخی موارد شورایی امنیت دارای حق طرح شکایت در دیوان کیفری بین‌المللی باشند.

² Due process of law

¹ (Trigger Mechanism) یعنی سازوکار آغازین شروع به رسیدگی در دیوان تنها ارجاع شورایی امنیت و دولت‌های عضو بود. به این معنا، که تنها دولت‌های عضو اساسنامه و

در نظام حقوق ایران؛ می‌توان با تأسیس شعبه مقدماتی (البته باید اذعان نمود؛ اسم نهاد تأسیسی، شعبه مقدماتی است و نیازمند اصلاحات و تغییراتی در جهت هماهنگی با نظام حقوقی موجود در حقوق ایران است) تا حد زیادی تعقیب و مسائل مربوط به آن را به اصل تعقیب عادلانه و منصفانه نزدیک نمود.

۳.۱.۳ ارزیابی نهادهای ارفاقی.

یکی از وظایف اصلی دادستان، تعقیب متهم است. اما باید توجه داشت که تعقیب متهم همیشه مثرتر نیست و بعضاً ایجاب می‌نماید که داستان با اختیارات قانونی خود، از تعقیب متهم صرف نظر کند که اصطلاحاً به آن « اصل متناسب بودن تعقیب»^۴ می‌گویند. متناسب بودن تعقیب دعوی کیفری را می‌توان رویکردی دانست که در پرتو آن به دادستان اختیار داده می‌شود در صورت مفید نبودن تعقیب دسته‌ای از دعاوی، از ادامه آن صرف نظر کند. کمیته پیشگیری از ارتکاب جرم و رفتار با محکومان سازمان ملل متحد^۵ در بند ۱-۵ و ۶-۵ فوریه ۱۹۹۰) تحت عنوان تصمیمات مقدم بر رسیدگی دادگاه، مقرر می‌دارد: « پلیس، دادسرا یا سایر مقامات مسؤول عدالت کیفری، در صورت مصلحت و آنگاه که این امر با نظام حقوقی آنان مانع‌الجمع نباشد، باید مجاز شناخته شوند تا در مواردی که توسل به تعقیب قضایی برای حمایت از جامعه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا ترفیع احترام قانون یا حقوق زیان‌دیدگان از جرم ضروری نباشد، از تعقیب خودداری کنند. (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

در دیوان، دادستان نمی‌تواند تعقیب و تحقیق از متهم را معلق نماید، مگر آن که شورای امنیت آن را درخواست نماید. (ماده ۱۶ اساسنامه)^۵ شورای امنیت در هر شرایطی نمی‌تواند اقدام به تعویق تعقیب و تحقیق نماید؛ بلکه باید بر اساس شرایط مذکور در ماده ۱۶ اساسنامه و فصل

اساسنامه باشد، اذن لازم جهت شروع تعقیب و تحقیق را به دادستان می‌دهد.

وجود شعبه مقدماتی در نظام‌هایی که دارای بازپرس (مستنطق)^۱ است، لازم به نظر می‌رسد. در بسیاری از کشورها مثل آلمان (در سال ۱۹۷۵) و ایتالیا (در سال ۱۹۸۸) و نیز در اساسنامه رم، بازپرس حذف و یا از اول پیش‌بینی نشده و دلیل اصلی آن این است که بازپرس در حقیقت از دادستان کم سابقه تر و دارای معلومات و تجربیات کمتری است از این‌رو در نظام‌های حقوقی که بازپرس وجود ندارد، دادستان وظایف بازپرس را برعهده می‌گیرد. باید اذعان نمود در نظام‌های حقوقی که بازپرس و دادستان در کنار یکدیگر فعالیت می‌کنند، بازپرس نمی‌تواند از دادستان تأثیر نپذیرد و امکان دارد نظر دادستان، ملاک عمل بازپرس قرار گیرد، با این توضیح؛ وجود شعبه مقدماتی مستقل و جدا از دادسرا می‌تواند تعقیب و تحقیق را بیش از پیش به اصل عدالت و انصاف نزدیک نماید. در کشور فرانسه، نهاد بازپرس از بین نرفته، اما وی حق بازداشت^۲ فردی را ندارد، در این صورت بازپرس عقیده خود را مبنی بر بازداشت فرد متهم به یک قاضی بی‌طرف^۳ ارائه می‌کند و قاضی بی‌طرف، پس از استماع اظهارات دادستان و وکیل متهم، دستور بازداشت یا عدم بازداشت متهم را صادر می‌نماید. (فتحی و دادیار، ۱۳۵: ۱۳۹۲)

دادستان در حقوق ایران، در موضوع شروع به تعقیب، دارای ابتکار و استقلال است و به راحتی می‌تواند تعقیب علیه یک شخص حقیقی و حقوقی را به جریان بیاورد. تأسیس شعبه مقدماتی می‌تواند با بررسی ادله، شواهد و قرائن میزان اعتبار تصمیم دادستان در شروع به تعقیب دعوی کیفری را بسنجد و در صورتی که شروع به تعقیب دارای مبانی مجاب‌کننده و عادلانه بود، اذن شروع به تعقیب را صادر نماید و الا جلوی شروع به تعقیب از ناحیه دادستان را بگیرد.

تا تحقیق یا تعقیبی را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد، این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می‌باشد.

¹ Interrogator

² Arrest of right

³ Impartial judge

⁴ Principle of pursuit suitability

⁵ چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل ۷ منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود

۳.۲ چالش‌ها

همان‌طور که تشکیل شعبهٔ مقدماتی مانند آنچه در دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد، دارای مزیت‌های پیش‌گفته است، می‌توان چالش‌هایی برای تأسیس آن، در نظام حقوقی ایران، پیش‌بینی نمود. البته باید توجه داشت که نظام‌های حقوقی هر کدام دارای خصایص، زیر ساخت‌ها و مؤلفه‌هایی هستند که می‌تواند امکان سنجی تأسیس شعبهٔ مقدماتی را قبول یا رد نماید. چالش‌های پیش‌روی امکان‌سنجی تأسیس شعبهٔ مقدماتی در نظام حقوقی ایران را می‌توان شامل؛ *انفعال دادستان، اطلاع در اقدامات دادسرا و کمبود قاضی*، دانست که هرکدام ذیل این بحث، مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

۳.۲.۱ منفعل شدن دادستان

قضاوت منصبی است که متصدی آن، باید علاوه بر معلومات کافی، مصلحت‌گرا و نکته‌سنج باشد. به نظر می‌رسد در صدر منصب قضا در سیستم قضاوتی که اوصاف فوق‌الذکر بر آن مترتب است، منصب دادستانی مهم‌تر و از حساسیت بالایی برخوردار باشد؛ چرا که یکی از عملکردهای مهم در این بخش پی‌ریزی سیاست جنایی قضایی^۵ است. امروزه به دنبال شکل‌گیری موج نوین اقدامات بزهکارانه که در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی ایجاد می‌گردد حضور فعال و پویا دادستان با اندیشه‌های نوین، در جهت پیشگیری و مبارزه با جرایم بیش از پیش احساس می‌شود. (Galeotty, ۲۰۰۵:۱-۹)

هفت منشور اقدام نماید.^۱ پس چنانچه شورای امنیت قصد درخواست تعویق از دیوان را داشته باشد لازم است این کار در شرایطی انجام دهد که عدم درخواست تعویق، خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد نماید زیرا به‌موجب فصل هفتم منشور، شورای امنیت میبایست، برای مقابله با اقداماتی که مخالف با صلح و امنیت بین‌المللی هستند، اقدام لازم را اتخاذ کند. صلح و امنیت بین‌المللی به اندازه‌های مهم است که شاید بتوان گفت از آن به عنوان مهم‌ترین اولویت جامعه بین‌المللی یاد می‌شود و طبق منشور ملل متحد، شورای امنیت؛ عهده دار حفظ آن می‌باشد. (جویباری و عباسی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲)

طبق ق.آ.د.ک، اصل تناسب تعقیب دعوی کیفری، در ماده ۸۱ از قانون مذکور^۲ پیش‌بینی شده است. البته می‌توان مواد ۷۹ و ۸۰ از ق.آ.د.ک را در راستای اصل تناسب تعقیب دانست. اگر شعبهٔ مقدماتی (که در دیوان معمولاً متشکل از سه قاضی باتجربه است) در حقوق ایران تعبیه شود، می‌تواند این نتیجه را داشته باشد که شعبهٔ مذکور با بررسی جمیع جهات، تناسب تعقیب و سایر دستورات مربوط به امر تعقیب را بررسی و در مورد آن تصمیم مقتضی را صادر نماید. قطعاً بررسی درخواست تعلیق تعقیب از ناحیه دادستان و بررسی آن با توجه به اوضاع و احوال توسط قضات شعبهٔ مقدماتی می‌تواند اصل تناسب تعقیب، و همچنین مصلحت متهم و جامعه را بهتر تضمین نماید و دستوراتی صادر شود که شایسته و به جا باشد زیرا بر مبنای خرد جمعی^۴ و اجماع فردی تدوین یافته است.

^۱ بعید به نظر نمی‌رسد اگر معتقد باشیم اساس این تعلیق، ریشه در جنبه‌های سیاسی دارد. (غلامی، رستمی غازی، ۱۳۹۹، ص ۴۵)

^۲ «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند ...»

^۳ ماده ۷۹- «در جرایم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک‌بار تا یک‌سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.»

^۴ Collective wisdom

^۵ نگارندگان معتقداند؛ سیاست جنایی شامل دوبخش سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی توسط مجلس قانون‌گذاری و سیاست جنایی قضایی توسط دادستان هر حوزه قضایی با توجه به تجارب و آموخته‌ها و دانش جرم‌شناسی در جهت پیشگیری از جرم تدوین و پایه‌ریزی می‌شود.

تواند باعث منفعل شدن وی شود. مواردی که مطرح شد، باعث شده دادرسی دیوان کمتر دست به ابتکار در تعقیب و تحقیق بزند. در تأیید گفته پیشین، باید اذعان نمود؛ از چهار پرونده‌ای که در دیوان مطرح است، سه مورد آن ارجاعی از طرف کشورهای عضو، یک مورد آن (وضعیت دارفور سودان) ارجاعی از طرف شورای امنیت سازمان ملل است که این موارد منفعل بودن دادرسی دیوان را به خوبی نشان می‌دهد.

۳.۲.۲. اِطالَه در اقداماتِ دادرسی.

یکی از شرایط مهم بهره‌بندی از حق محاکمه عادلانه، رسیدگی به دعوی و شکایات و صدور حکم در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. چنانچه فرایند دادرسی به هیچ دلیل موجه و قانونی، دچار اطاله غیرطبیعی و غیرمنطقی شود، قطعاً بر اساس دادرسی عادلانه لطمه وارد نموده و موجب تضییع حق دادخواه می‌شود، هر چند که در نهایت هم حکم به نفع صاحب حق صادر شود. باید اذعان نمود؛ احقاق حق در کم‌ترین زمان، عادلانه‌تر از احقاق حق بعد از گذشت زمان کم و بیش طولانی است. (گلدوست جویباری و جهاندار، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

تاکنون در دیوان، دوازده روند تأیید اتهامات، توسط شعبه مقدماتی انجام شده و گزارش‌ها حاکی از این است که کوتاه‌ترین زمان بررسی اتهامات متهم و سپس تأیید یا رد آن، هفت ماه و طولانی‌ترین روند بررسی بیش از دو نیم سال به طول انجامیده است.^۱ وجود شعبه مقدماتی در دیوان، به نوعی باعث شده، اقدامات دادستان با کندی پیش رود. این در حالی است که دادرسی بیش از هر قسمت دیگر، نیازمند اقدامات سریع در زمان رسیدگی به اتهامات است. در قانون ق.آ.د.ک، (اصل فوریت)^۲ در ماده ۹۴ از قانون مذکور آمده است. مطابق این ماده؛ «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست.» با این وجود؛ در دیوان تمام تصمیمات دادستان نیازمند تأیید شعبه مقدماتی است که این خود از موجبات اطاله در امر تعقیب و تحقیق محسوب می‌شود.

مقامات دادرسی وظیفه دارند در اسرع وقت به اتهامات رسیدگی کرده، در صورت لزوم بر سر صحنه جرم حاضر شوند، دستورات لازم را به مقامات ذیصلاح بدهند،

اگر شعبه مقدماتی طبق آنچه در دیوان وجود دارد بر سر راه دادرسی در نظام حقوق ایران ایجاد گردد؛ باعث می‌شود دادستان منفعل گردد و نتواند سیاست‌های خود را عملی کند. البته باید اذعان نمود، وجود شعبه مقدماتی اعتدالی، که نه سایه کامل خود را بر سر دادستان بیاندازد و نه این که سایه نظارتی خود را به طور کامل از سر دادستان بردارد می‌تواند مناسب به نظر برسد.

تفاوت بین نظام تفتیشی و اتهامی در فعال و منفعل بودن قضات آن سیستم است. در نظام تفتیشی قضات معمولاً فعال و دارای ابتکار عمل هستند و سعی در جمع آوری اطلاعات و ادله دارند در حالی که قضات نظام اتهام منفعل بوده و به دنبال جمع آوری ادله نمی‌روند. (ریسی و یوسفی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۳) این در حالی است که دادرسی به یک دادستان فعال نیاز دارد. در این میان اگر شعبه مقدماتی نقش نظارتی بر اعمال دادستان داشته و در جایی مشاهده نماید که دادستان از قدرت خود سوء استفاده می‌کند، می‌تواند عدم جواز تصمیم صادره از ناحیه دادستان را صادر نماید.

در دیوان، اگر شعبه مقدماتی بر سر راه دادستان قرار گرفته، باید توجه داشت که وجود این نهاد، بیش از این که جنبه نظارتی داشته باشد، دارای جنبه سیاسی و بیم کشورها از این موضوع است که دادستان تعقیب متهمان جرایم موضوع ماده ۵ اساسنامه را بر اساس انگیزه‌های شخصی و غیر عادلانه آغاز نماید. در حقوق داخلی مدخلی برای این اندیشه وجود ندارد. زیرا انگیزه‌ها در حقوق داخلی با حقوق بین‌الملل در منصب دادستانی متفاوت است و نمی‌توان در حقوق داخلی دادستان را متهم به عدم تعقیب به دلایل روابط دوستانه و دیپلماتیک نمود.

در حقوق ایران، در ق.آ.د.ک، اختیارات گسترده‌ای در فصل سوم از بخش دوم قانون (مواد ۶۴ تا ۸۸) برای دادستان در نظر گرفته شده است. این در حالی است که در دیوان، شروع به تعقیب و تحقیق (بند ۲ ماده ۵۲ و مواد ۱۰۵، ۱۰۹ و ۱۱۰ آیین دادرسی و ادله اساسنامه) و یا منع تعقیب (بند ۳ ماده ۱۵ و مواد ۴۸ و ۱۰۵ آیین دادرسی و ادله اساسنامه) که عمده وظایف دادستان را تشکیل می‌دهد و سایر موارد از اختیارات دادستان، باید به تأیید شعبه مقدماتی برسد. این محدودیت بر سر دادستان می

² Violation of rights

¹ <https://www.wcl.american.edu/impact>

اگر بگوییم جذب و استخدام قضات یکی از پیچیده‌ترین آزمون‌های استخدامی در ایران و سایر کشورها است. در حالی که در برخی کشورها به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر تا ۴۳ نفر قاضی دارند، این رقم در ایران تنها ۱۲ قاضی است.^۳ (<http://www.asriran.com/fa/news/۴۷۶۷۳۵/۴>)

مطاب پیشین نشان دهنده کمبود قاضی در شرایط کنونی و انباشته شدن انبوهی از پرونده‌ها بر سر قضات است. این در حالی است که تأسیس نهاد نظارتی همچون شعبه مقدماتی بر سر راه دادرسی، خود نیازمند به کارگیری قاضی است، که به هیچ عنوان در شرایط کنونی که حتی قاضی برای رسیدگی به پرونده‌ها به طور معمول وجود ندارد، کار بسیار سخت و دشواری است.

شعبه مقدماتی دیوان، از شش قاضی تشکیل می‌شود که می‌تواند با سه و یک قاضی انجام وظیفه نماید (ماده ۳۹ اساسنامه) اگر نهادی همچون شعبه مقدماتی بر سر راه دادرسی در نظام حقوقی ایران ایجاد گردد، کمبود قاضی یکی از مهمترین چالش‌ها به نظر می‌رسد. کمبود قاضی آن قدر در حقوق ایران بارز است که حتی در آیین دادرسی کیفری به آن اشاره و راهکارهایی در قانون برای حل معضل مذکور مشخص شده است.^۴

در حقوق ایران در مرحله دادرسی، بیش از این که از سیستم نظارت مستقل^۵ بهره‌جویی شود؛ از سیستم نظارت متقابل^۶ استفاده می‌شود. با این توضیح که در

اطلاعات شهود و مطلعین را کسب و با سایر اقدامات لازم، پرونده را برای رسیدگی و صدور حکم به دادگاه ارسال نمایند. اینکه دادستان نتواند یک سری از تصمیمات فوری را اخذ نماید از موجبات اطاله محسوب می‌شود. ماده ۵۷ (e) اساسنامه^۱ راهکاری برای تامین منافع بزه‌دیدگان در روند رسیدگی پیش‌بینی نموده که از ناحیه شعبه مقدماتی انجام می‌شود. این در حالی است که طبق قانون ایران، بازپرس، با صلاحدید خود و بدون هیچ‌گونه نظارتی قرار تأمین خواسته صادر می‌نماید. (ماده ۱۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری)^۲.

۳.۲.۳ کمبود قاضی.

رشد و توسعه هر جامعه در گرو بکارگیری صحیح منابع انسانی است. امروزه نیروی انسانی به‌عنوان یک عامل راهبردی در سازمان‌ها شناخته شده است. صاحب نظران علم مدیریت، توجه روز افزونی را به نقش و نفوذ منابع انسانی بر سایر عوامل کلیدی بهره‌وری سازمانی معطوف کرده‌اند. نیروی انسانی متخصص در مواقع نیاز یکی از عوامل رشد و توسعه سازمان‌ها است. به طوری که سازمان‌ها برای ادامه حیات خود به عرضه متناسب نیروی انسانی نیاز دارند. (Singer MG, ۱۹۹۰: ۱۱۰)

در حقوق ایران و سایر کشورها جذب قاضی دارای فرایندهای پیچیده و طولانی است و بعید به نظر نمی‌رسد

تبصره - تخلف از این ماده و مواد (۹۵)، (۱۰۲)، (۱۰۴) و تبصره (۱) ماده (۱۰۲) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

^۳ سخنرانی رئیس قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۵/۴/۸

^۴ ماده ۹۲ ق.آ.د.ک بیان می‌دارد: تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است. در غیر جرائم مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت **کمبود بازپرس** دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهائی دادیار و همچنین قرار تأمین ا. منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند.

⁵ Independent supervision

⁶ Mutual supervision

^۱ در موردی که مطابق ماده ۵۸ اساسنامه دیوان، دستور بازداشت و یا احضار شخص صادر شده و با لحاظ ارزش و اعتبار ادله و همچنین حقوق طرفین قضیه به نحوی که در این اساسنامه و آیین دادرسی و ادله مقرر شده است و در راستای اعمال قسمت (ی) بند ۱ ماده ۹۳ این اساسنامه، همکاری کشورها را درخصوص انجام اقدامات تأمینی به منظور ضبط اموال و به ویژه به منظور حفظ منافع آتی مجنی علیهم جلب نماید.

^۲ بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آنها بازداشت می‌باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را به‌طور کتبی به دادستان اعلام کند.

کارکردهای شعبه مقدماتی در دیوان را می‌توان مواردی از قبیل؛ تضمین اصل بی‌طرفی از ناحیه دادستان، نظارت قضایی بر کلیه تصمیمات دادستان و نظام تأیید اتهامات دانست. تأسیس نهادی همچون شعبه مقدماتی در نظام حقوقی ایران، می‌تواند کارکردهای پیش‌گفته را در نظام حقوقی ایران به ارمغان آورد

برای تأسیس شعبه مقدماتی دیوان در نظام حقوقی ایران، می‌توان مزیت‌های از قبیل؛ تعدیل قدرت، تعقیب منصفانه، ارزیابی نهادهای ارفاقی را مدنظر قرار داد البته تأسیس شعبه مقدماتی با ساز و کارهای تعریف شده در اساسنامه دیوان، می‌تواند در حقوق ایران، چالش‌هایی چون؛ منفعل شدن دادستان، اطاله در اقدامات دادرسی، و کمبود قاضی را به همراه داشته باشد که در مقام ارزیابی در واقع مزیت‌های تأسیس شعبه مذکور کفه ترازو را سنگین به نفع مزیت‌ها سنگین تر است.

در پایان پیشنهاد می‌شود؛ تأسیس شعبه مقدماتی در نظام حقوقی ایران که شیوه تفتیشی بر دادرسی آن حاکم است، می‌تواند، تا حد زیادی دادرسی را به سمت مولفه‌های رسیدگی عادلانه هدایت کند. بنابراین؛ بهتر است نهادی همچون شعبه مقدماتی، مستقل از دادرسی در نظام حقوقی ایران تعبیه شود تا بتواند به دور از محیط دادرسی و ارتباطات بین مقامات قضایی آن، تصمیمات صادره را تنها به اعتبار درست یا غلط بودن آن تأیید یا نقض کند.

در ادامه پیشنهاد می‌شود؛ برای تأسیس شعبه مقدماتی، باید ویژگی‌های این نهاد را با نظام حقوقی ایران هماهنگ کرد و از نهاد مذکور، نمی‌توان کپی‌برداری صرف نمود. لازم است بعضی از ویژگی‌های دیوان همچون؛ استفاده از قضات متعدد، زمان بر بودن بررسی‌ها، ویژگی‌های حاکم بر نظام تأیید اتهامات، مورد توجه قرار گیرد و تعدد قاضی را با قضات کمتر اما با تجربه بیشتر، تسریع در بررسی تصمیمات دادستان، الزام در تأیید اتهامات با مجازات‌های سنگین، جایگزین مولفه‌های شعبه مقدماتی دیوان کرد تا بتوان به نحو احسن از کارکردهای شعبه مقدماتی دادرسی (نگارندگان؛ در صورت تأسیس؛ نام نهاد مذکور را «شعبه مقدماتی دادرسی» می‌دانند.) بهره جست.

سیستم نظارت مستقل، شعبه ای بوجود می‌آید که رسالت اصلی آن نظارت است (مانند شعبه مقدماتی در دیوان) و مستقل از دادرسی وظایف نظارتی و استصوابی خود را بر اقدامات دادرسی انجام می‌دهد؛ در حالی که در نظارت متقابل هر شعبه وظایف خاص خود را انجام می‌دهد و در کنار این انجام وظایف، اعمال نظارت هم می‌نماید. مانند نظارت دادستان بر تصمیمات دادیارن) ماده ۹۲ ق.آ.د.ک)، اعتراض از تصمیمات دادستان در دادگاه (ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک)^۱، حل اختلاف میان بازپرس و دادستان در دادگاه صالح (ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک) و سایر موارد که در قانون پیش‌بینی شده است.

با توضیحاتی فوق این موضوع آشکار می‌شود که تأسیس شعبه مقدماتی، مانند آنچه در دیوان وجود دارد، در حقوق داخلی با چالش کمبود قاضی روبرو است و نمی‌توان تصور کرد که شعبه مقدماتی با ویژگی‌هایی که در دیوان وجود دارد، در نظام حقوقی ایران تشکیل یابد و قطعاً برای تأسیس نهادی مشابه شعبه مقدماتی، باید ویژگی‌های نهاد مذکور را با شرایط و نظام حقوقی ایران هماهنگ کرد.

۴ نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش باید اذعان نمود؛ فلسفه وجودی تأسیس شعبه مقدماتی، بر سر راه دادرسی در دیوان این است که کشورها در زمان طرح اساسنامه ژم خواستار پی‌ریزی نهادی بودند که بتواند دادستان را از هرگونه شبهه در عدم رعایت موازین عدل و انصاف، مصون نگه دارد. بنابراین، با تأسیس شعبه مقدماتی، راه بر هر گونه شک و شبهه در انجام وظایف دادستان بسته می‌شود.

در مرحله دادرسی، نظام حقوقی دیوان، از شیوه اتهامی پیروی می‌کند. این شیوه بیشتر تضمین حقوق متهم را مدنظر دارد، و وجود شعبه مقدماتی بر سر راه دادرسی خود صحت‌ای بر گفته پیشین است. در نظام حقوقی کشور ایران، در مرحله دادرسی، شیوه تفتیشی حکمرانی می‌کند. این شیوه بیش از همه موارد، منافع جامعه را مدنظر قرار دارد، بنابراین؛ نقض حقوق متهم و ایراد فاصله با مولفه‌های دادرسی عادلانه، دور از ذهن نیست. اهم

وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است.

^۱ متهم، کفیل و وثیقه‌گذار میتوانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درباره أخذ وجه التزام،

منابع

فتحی، محمد جواد و دادیار، هادی (۱۳۹۲)، « جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه»، **فصلنامه فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۷. ۱۲۳-۱۴۸.

فضائی، مصطفی (۱۳۸۸)، **دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی**، تهران؛ انتشارات شهر دانش.

کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۹) « بررسی جایگاه سازمانی دادستان در آیین دادرسی کیفری ایران وفرانسه». **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۲. ص ۵۶۵-۶۰۹.

گلدوست جویباری، رجب و عباسی، سجاد (۱۳۹۳)، « تعویق تعقیب در دیوان بین الملل کیفری»، **.....فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد**، شماره ۲۳. ص ۱۰۷-۱۲۹.

همو و جهاندار، اکبر (۱۳۸۸) « عوامل انسانی اطاله دادرسی در امورکیفری»، **مجله تحقیقاتحقوقی**، شماره ۴۹. ص ۲۸۱-۳۲۰.

همو و قلی پور جمنانی، فرامرز (۱۳۹۴) « عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانونآیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، **مجله حقوق دادگستری**، شماره ۹۲. ص ۱۲۵-۱۴۳.

یوسفی، ایمان و رئیسی، محمد صادق (۱۳۹۲)، « بررسی *انتقادات وارد بر نهاد بازپرسی*»، **مجلهحقوق دادگستری**، شماره ۸۲. ص ۲۱۸-۲۴۵.

Alfredsson, Gudmundur; Eide, Asbjorn (1999), **The Universal Declaration of Human Rights: a common standard of achievement**. Martinus Nijhoff Publishers.

Bid to reopen NI 'torture' case (2014), Retrieved 3 April 2018 - via (www.bbc.com).

Cassese, Antonio (2003), **International law**, New York, Oxford University Press.

Calvo-Goller, K., N (2006), **the Trial Proceedings of the International Criminal Court, ICTY and ICTR Precedents**, Martinus Nijhoff.

آمبوس، کای (۱۳۸۶)، « آیین دادرسی کیفری بین المللی: توافقی، تفتیشی یا مختلط؛ ترجمه حسین . آقایی جنت‌مکان». **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۵. ص ۱۸۵-۲۳۸.

آشوری، محمد (۱۳۸۸)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد نخست، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.

آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۸۷)، « نظارت قضائی بر تشخیص دادستان دیوان بین المللی کیفری» **.....مجله حقوقی بین‌المللی**، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس،شماره ۳۹. ص ۲۴۵-۲۶۳.

خالقی، علی (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ سی و دوم، تهران: انتشارات شهر دانش. همو _____ (۱۳۹۴)، **نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، چاپ پنجم، تهران؛ انتشارات شهردانش.

زراعت، عباس (۱۳۸۸)، **آیین دادرسی کیفری باتکیه بر اصول و قواعد**، چاپ اول، تهران:انتشارات دانش پذیر.

ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳)، « تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آییندادرسی کیفری مَصوب ۱۳۹۲»، **پژوهش‌های حقوق کیفری**، شماره ۶. ص ۱۱۳-۱۳۶.

شبث، ویلیام (۱۳۸۴)، **مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی**، ترجمه سید باقر میرعباسی و حمیدالهومی نظری، تهران؛ انتشارات جنگل.

صابر، محمود (۱۳۸۶)، « آیین تعقیب جنایت در دادرسی دیوان بین الملل کیفری»، **فصلنامه حقوق**،مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲. ص ۱۶۹-۱۹۲.

غلامی، حسین و رستمی غازانی، علی (۱۳۹۲)، « زمینه های عدالت ترمیم در اساسنامه دیوان بینالملل کیفری»، **فصلنامه پژوهش های حقوق کیفری**، شماره ۴. ص ۳۳-۶۴.



McKay, Fiona (2001), on **behalf of The Victims Rights Working Groupext: The International Criminal Court**: Edited by Roys Lee.

Miraglia, M. (2008), Admissibility of Evidence, Standard of Proof, and Nature of the Decision in the ICC Confirmation of Charges in Lubanga,Journal of International Criminal Justice, Vol. 6.

Singer M;G (1990), **Human resource management**. USA: PWS-KentPublishing Company.

The confirmation of charges process at the international criminal court:a critical assessment and recommendations for change, Published onthe site:

- <https://www.wcl.american.edu>
Last visited: 2017/5/6
- <http://khorasan.isna.ir/default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=123725>
Last visited: 2017/8/9.
- <https://www.isna.ir/news>
Last visited: 2018/2/7.
- <http://www.asriran.com/fa/news/476735/4>
Last visited: 2017/7/6

Doswald-Beck, Louise (2012), **Fair Trial, Right to, International Protection**, Max Planck Encyclopedia of Public International Law.

Danilet,Cristi (2000), **Independence and Impartiality of Justice,International Standards**,at:
<http://medel.bugweb.com/usr/Independence%20and%20Impartiality%20of%20Justice-1.pdf>
(last visited 14 Nov. 2014)

Defranica, Cristian (2001), **Due Process in international criminal courts, ... why procedure matters?** Virginia law Review, Vol. 87.

Friman, Hakan (2001), **INVESTIGATION AND PROSECUTION; at: The international criminal court (Elements of crimes and rules ofprocedure and evidence**, Edited by: Roy s. lee, Transnational publisher, inc.

Galeotty, Mark (2005), **Global crime today - The challenging fazes of organized crime, first edition**, New york: Routledg publication.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی